

پیامی به احزاب، سازمان ها و نهادهایی که نشست مشترک داشتند

پس از سال ها احساس ضرورت بالاخره در روزهای ۲ الی ۴/۱۳۹۱/۴ تعدادی از احزاب و سازمان های مختلف چپ به خود قبولاندند که جهت پیدا کردن راه حل های مورد نیاز برای خروج جنبش کمونیستی از بن بست باید به یکدیگر روی آوردند، به خود قبولاندند که کارزار امروزی در مقابل سرمایه داری و عوامل آن از عهده ی هیچ کدام به تنهایی بر نمی آید.

عیناً و تلویحاً به خود قبولاندند که موجودیت خودشان به صورت پراکنده نه تنها سودی برای جنبش کمونیستی و کارگری ندارد، بلکه خود مانع رشد و گسترش این دو جنبش شده اند.

خروج این ۲۵ تشکیلات و نهاد از توهم خود محورینی بسیار مثبت است، هر چند هنوز تعدادی دیگر تشکیلات در طیف چپ وجود دارند، که هم چنان در دریای توهم خود غوطه ورنند، اما به نظر می رسد، جرقه فروریزی این توهم در طیف چپ زده شده است، اگر دست اندرکاران امروزی این نشست با موضوع علمی برخورد کنند، به زودی شاهد فروریزی کامل توهم در کلیت طیف چپ خواهیم بود.

یکبار دیگر می خواهم تأکید کنم، حرکت های اعتراضی و اعتصابات خود به خودی کارگران طی حدود ده سال گذشته، مبارزات دامنه دار سندیکای شرکت واحد، سندیکای هفت تپه، کارگران پتروشیمی ها، نساجی ها، لاستیک سازی ها

و غیره و به خصوص جنبش اعتراضی ۱۳۸۸ بدون شک نشان داد که هیچ کدام از احزاب و سازمان های موجود آن چیزی که طبقه ی کارگر می خواهد نبودند، نیستند و با توجه به ساختارهای آن ها پتانسیل شدن نیز در آن ها نیست، مگر با برقراری ارتباط میان آن ها و کنکاش برای یافتن راه حل، مانند همین نشست هر چه بیش تر و مستمر صورت بپذیرد. هم چنین تذکر سه نکته بسیار مهم است.

نکته اول، ممکن است تعدادی از رفقا در اشتباه باشند و بگویند طی ۳۳ سال گذشته بارها از این نشست ها انجام شده است و به نتیجه نرسیده اند، قبول دارم بارها اتفاق افتاده و شکست خورده است، ممکن است، این دوره هم شکست بخورد، ولی به یاد داشته باشیم خروج از این بن بست، یک ضرورت است، در انجام شدن ضرورت، شکست های زیادی ممکن است، اما نهایتاً پیروزی اجتناب ناپذیر است. حُسن شرایط امروز این است که بستر و زمینه جهت برقراری همگرایی ها تحت فشار نیازهای جنبش کارگری و کمونیستی و جوشش داخلی و بیرونی که جامعه را به سمت اعتلا می راند نیاز به نیرویی دارد که لازمه ی ایجاد شدن توازن قوا، در واقع مکمل و ضرورت اعتلایی انقلابی است، هم چنین به دلیل رشد مبارزات طبقاتی بسیار آماده تر از گذشته است، شاید در گذشته جمع شدن ها بر مبنای تشخیص درست فعالین و انقلابیون بوده است ولی زمینه ی همگرایی وجود نداشت، بنا بر این با شکست مواجه می شد، اما اکنون با توجه به عبور از هجمه ای تحمیلی شکست کمونیزم و انواع تبلیغات ضد مبارزه ی طبقاتی زمینه و بستر همبستگی هر چه بیش تر خود را نشان می دهد.

تعداد شکست‌ها بستگی به میزان برخورد علمی با موضوع توسط بازیگران آن دارد که اگر تحلیل مشخصی از شرایط مشخصی نداشته باشند و نیازها و توانایی‌های خود و دشمن را دقیقاً بررسی نکرده باشند و هم چنین از توهم خودمحوری عبور نکرده باشند، پیروزی بدست نمی‌آید.

بارها دیده شده است. یک ورزشکار ممکن است در ده مسابقه شکست بخورد و بالاخره بار یازدهم پیروز شود، این پیروزی نتیجه‌ی تجربیات و تلاش طی ده بار شکست است. همیشه شکست‌ها بیش‌تر از پیروزی است چون در مسیر انقلابی پیروزی یک بار است اما شکست می‌تواند ده بار اتفاق بیافتد، راه درست برای رسیدن به یک هدف فقط و فقط یک راه می‌تواند باشد، اما راه‌های انحرافی می‌توانند هزاران راه باشند. یک مورچه وقتی از ارتفاعی بالا می‌رود ممکن است ده بار به پایین بغلطد، ولی فقط یکبار پیروز می‌شود که دیگر به پایین نمی‌غلطد.

نکته دوم باید، تمامی وارد شدگان در درون این نشست از هم اکنون بپذیرند که شاید در طی مباحثات و مذاکرات در نشست‌های آتی نیاز به انحلال خود در درون یک ظرف بزرگ و جدید باشد، اگر امروز همگی اصل را بر پیروزی جنبش کمونیستی بگذارند، از خودمحوری عبور کرده‌اند و اگر فردا نیاز به انحلال خود در درون ظرف جدید باشد، بدون مکث این کار را خواهند کرد.

نمی‌توانم بگویم این نیاز چه زمانی و چگونه با چه شرایطی و تحت چه نامی احساس خواهد شد، اما به جرئت می‌گویم، ضرورت آن اجتناب‌ناپذیر است، پس باید تمامی رفقا ضمن به رسمیت شناختن اختلافات کنونی و برخورد دقیق علمی و برابر دانستن یکدیگر چنین رویکردی را نیز در روند و پروسه‌ی نشست‌ها به عنوان یک راه حل در نظر داشته باشند.

نکته سوم، در این رابطه روی سخن با هواداران و بدنه تشکیلات ها است، آن ها باید خود را در این روند بسیار محق و تأثیرگذار بدانند و اگر تشکیلات را به عنوان یک ابزار برای رسیدن طبقه ی کارگر به اهدافش می دانند، هدفشان از پیوست به تشکیلات مورد نظر خود استفاده از ابزاری برای پیروزی طبقه است، باید روند نشست ها را با دقت دنبال کنند و هر زمانی لازم دانستند، تشکیلات مورد علاقه ی خود را وادار به انجام وظیفه ابزاری بودن خود نمایند، اگر تشکیلات فوق زیر بار ابزار بودن نرفت و در جهت منافع طبقه حرکت نکرد، آن را تنها بگذارند. این روش تنها و بهترین راه برای حرکت کردن در مسیر اشتراکات و حذف موانع سر راه مبارزات طبقه ی کارگر و خروج جنبش کمونیستی از بن بست است. و صد البته پیشبرد چنین روشی و وظیفه ی انقلابی تمامی هواداران است که اگر به این وظیفه عمل نکنند، نمی توان نام آن ها را انقلابی گذاشت.

باید دقت کرد، با توجه به این که باید افق و کلیت خروج جنبش کمونیستی از بن بست در نظر گرفته شود، اما چون فعلاً از آن کلیت بسیار زیاد فاصله داریم، بهتر است، با دو دید کوتاه مدت و بلندمدت به نتایج این نشست ها توجه کنیم، بلندمدت را به عنوان راه حل برای افق و چشم انداز آتی و نهایی در نظر بگیریم و نتایج کوتاه مدت را به عنوان ایجاد توان و توازن جهت کسب حداقل ها مدنظر داشته باشیم. در این صورت حتی اگر در چشم انداز و افق دور به پیروزی نرسیم، یا بسیار دیرتر برسیم، حداقل توانستیم، منافع طبقه ی کارگر را در مواردی حداقلی تا حدودی به دست آوریم.

حداقل ها همان هایی هستند که امروز طبقه ی کارگر به صورت پراکنده ولی با تمام وجود برایش تلاش می کند، یعنی حداقل های امروزی همان هایی

هستند، که عرصه‌ی فعالیت‌های عملی امروز را تعیین می‌کنند، بنابراین اگر عملاً به صورت مشترک وارد عرصه‌های عملی حداقل‌ها شویم، بدون شک به اشتراکات بیش‌تری دست خواهیم یافت، این اشتراکات در عمل سکوی پرتاب برای رسیدن به اصول مشترک به صورت اجتناب‌ناپذیری خواهند شد. چرا که مبارزه در عرصه‌ی آن‌چه که طبقه‌ی کارگر امروز برای رشد در آینده لازم دارد، عملکرد سازمانیافته در رابطه با حداقل‌های امکان‌پذیر امروزی با دیدگاه و قبول چشم‌انداز و افق رشدیابنده، برنامه‌ریزی و سازمانیافتگی فردا است.

در واقع به دلیل پراکندگی امروزی است که دستیابی به حداقل‌ها نیز میسر نمی‌شوند، حداقل‌های امروزی سنگ‌بنای مطالبات مهم و بزرگ طبقاتی کارگران در فردا هستند. البته این دو طیف مطالبه‌جایی عبورناپذیر بینشان نیست، بلکه دلیل عمده‌ی پراکندگی است که نقاط اشتراک را در حداقل‌ها قرار داده است و در همین حال هر کدام از تشکیلات‌ها نیز به تنهایی کارساز نیستند، بنابراین ناچاراً از حداقل‌ها شروع می‌شود.

باز تکرار می‌کنم حداقل‌های مطالباتی طبقه‌ی کارگر نقاط مشترک تمامی سازمان‌ها، احزاب و نهادها هستند، برای رسیدن به اشتراک در حداکثرها ناچاریم از اشتراکات حداقلی شروع کنیم.

از جمله دفاع از حداقل‌های امروزی برای سازمان‌ها و احزاب و خود طبقه‌ی کارگر حفظ تمامیت زندگی از سقوط طبقه محسوب می‌شود که عبارتند از:

سازماندهی نیروهای کارگری و انقلابی در جهت فعالیت عملی برای جلوگیری از اخراج‌ها، افزایش دستمزدها، مقابله با حذف خدمات عمومی،

مقابله با دستگیری ها و محاکمه و زندانی کردن ها، کسب آزادی های مدنی و سیاسی، ... مهم تر از همه تلاش بسیار زیاد جهت متشکل شدن و متشکل کردن در اشکال متنوع و گوناگون که باز به دلیل پراکندگی، همه انواع متشکل شدن مکمل یکدیگر خواهند بود، هر شکلی از متشکل شدن در حوزه ی خاصی مورد نیاز و ضرورت پیدا می کند، که مجموعه ی آن ها در جهت سراسری شدن و تکمیل یکدیگر ضرورت بلامنازع دارند. به فراخور وجود تنوع اندیشه ها و اختلاف کیفی میزان آگاهی طبقاتی در درون طبقه و گرایشات گوناگون در درون جنبش کارگری و جنبش کمونیستی و هم چنین وجود سرکوب ددمنشانه هرگونه تشکل یابی، عوامل مهمی هستند که حکم می کنند به جهت عبور از این بن بست همه ی اشکال تشکل یابی در کنار هم و همزمان مورد نیاز است، که باید مورد عنایت واقع شوند. مثلاً در جایی از کشور سندیکا از جهت مقبولیت توده ای شکل غالب است، در جای دیگر شکل غالب کانون یا انجمن صنفی می تواند باشد، و در جای دیگر شوراهای شکل غالب به خود می گیرند. حتی در نقاطی مجموعه ای از این ها می توانند باشند، و دقیقاً در حینی که از نظر خواستگاه توده ای اشکال نامبرده هر کدام با درجاتی مورد استقبال هستند، که مجموعاً تمامی اندیشه ها و مناطق را پوشش می دهند، اما جهت امکان پذیر شدن هر کدام از آن ها نوع دیگری از متشکل شدن و سازمان دادن همه امکانات در جهت وادار کردن دشمن به پذیرش تشکل یابی توده ای کارگران مورد نیاز صد در صدی است، آن سازمانیابی و سازماندهی مخفی انقلابی در قالب هسته ها و کمیته ها در محل کار و زندگی است که اگر این نوع متشکل شدن مورد عنایت واقع نشود، نمی توانیم جمهوری اسلامی را وادار به قبول انواع دیگر تشکل های توده ای

نماییم. متشکل شدن در سه شکل علنی، نیمه علنی و مخفی ضرورت اجتناب‌ناپذیر امروزی ما است، البته همه ی این اشکال ابزاری هستند تا طبقه ی کارگر بتواند به اهدافش برسد. با توجه به موارد بیان شده همه ی تشکیلات های طرف مذاکره باید بپذیرند که پافشاری برای قبولاندن نوع تشکیلیابی مورد نظر خود به بقیه، به عنوان شکل غالب ادامه و دامن زدن به پراکندگی بیش تر است.

مورد دیگر که نیاز به دقت دارد، این است که سازمان سیاسی کارگران در به کار بردن تاکتیک ها، باید چنان انعطاف پذیر باشد که انرژی و پتانسیل لازم در جهت سازماندهی همزمان تمامی اشکال نامبرده تشکیلیابی را با خود داشته باشد، فقط یک چنین سازمان سیاسی می تواند، در شرایط کنونی ایران سازمان سیاسی طبقه ی کارگر باشد. توانایی دیگری که سازمان سیاسی طبقه ی کارگر باید داشته باشد، این است، که بتواند کار کردن در میان توده ها، حتی در درون تشکیلاتی تحت سلطه دشمن را نیز سازماندهی نماید، یعنی هر جایی که کارگران حضور دارند باید به صورت تشکیلاتی وارد شده، فعالیت انقلابی (ترویج، تبلیغ و سازماندهی) را پیش ببرد.

رفقای شرکت کننده در نشست ۲ تا ۴ تیر ماه فعلاً خواست ما از شما دو مورد زیر است.

۱ - در پایان نشست باید یک پلاتفرمی ولو بسیار کوچک و جزئی بدست بیاید تا آن دست مایه و پیش زمینه ای برای ادامه ی روند و دلیلی جهت برقراری نشست های بعدی باشد، هم چنین همین دستمایه ی اولیه باید در نشست های بعدی قوی تر و قوی تر شود.

۲ - مشخص کردن تاریخ دقیقی برای ادامه ی نشست ها یا حداقل نشست

بعدی.

در این صورت می توانید روی بسیاری از رفقا در داخل و بیرون حساب باز کنید، فکر می کنم در حرکت امروز اگر زمینه ادامه و رشد روند در آن با دقت در نظر گرفته شده باشد، باید از آن با تمام وجود حمایت کرد.

به امید چنان روزی

محمد اشرفی

۱۷/۴/۱۳۹۱

آدرس اینترنتی کتاب خانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: yasharazarri@gmail.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری